در گفت‌وگو با دانیال فرخ طراح پوستر مطرح شد

«برای آرتین» تصویری برای باز شدن چشم هاست

سیده مریم سادات گوشه
روزنامه‌نگار

«همان شب که در شاهچراغ آن حادثه دلخراش رخ داد، عکس آرتین را در فضای مجازی دیدم. روی تخت بیمارستان بود با آن حال وخیمش. اصلاً نمی‌دانستم که پدر و مادر و برادرش را در آن فاجعه از دست داده است، تا اینکه نیمه شب پیامی از دوستم دیدم که نوشته بود: «راستی آن پسربچه را دیدی که پدر و مادرش در شاهچراغ شهید شدند؟» حالم دگرگون شد. همان شب تصمیم گرفتم این طرح را بکشم.» طرحی جگرسوز که آدم را یاد سال های جنگ می‌اندازد؛ بچه‌هایی که پدر و مادرشان را از دست دادند. آنها می‌ماندند و یک دنیا تنهایی و رنج. دانیال فرخ، طراح گرافیک «برای آرتین» که داستان کشیدن طرحش را تعریف می‌کرد، درباره اثرش در جامعه به «ایران» می‌گوید: «اگر به ذات هنر و هنرمند به معنای واقع آن نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که هنرمند باید همیشه چند قدم از جامعه جلوتر باشد تا بتواند توسط قوه خیالش آن را به تصویر بکشد. یا با صنایع ادبی مثل تشبیه و استعاره و ایهام حرفی لطیف بیان کند تا به دل‌ها بنشیند و اثرگذار باشد. در مورد همه هنرها این موضوع مصداق دارد. از هنرهای تجسمی گرفته تا فیلم و تئاتر و نوشتن کتاب.»



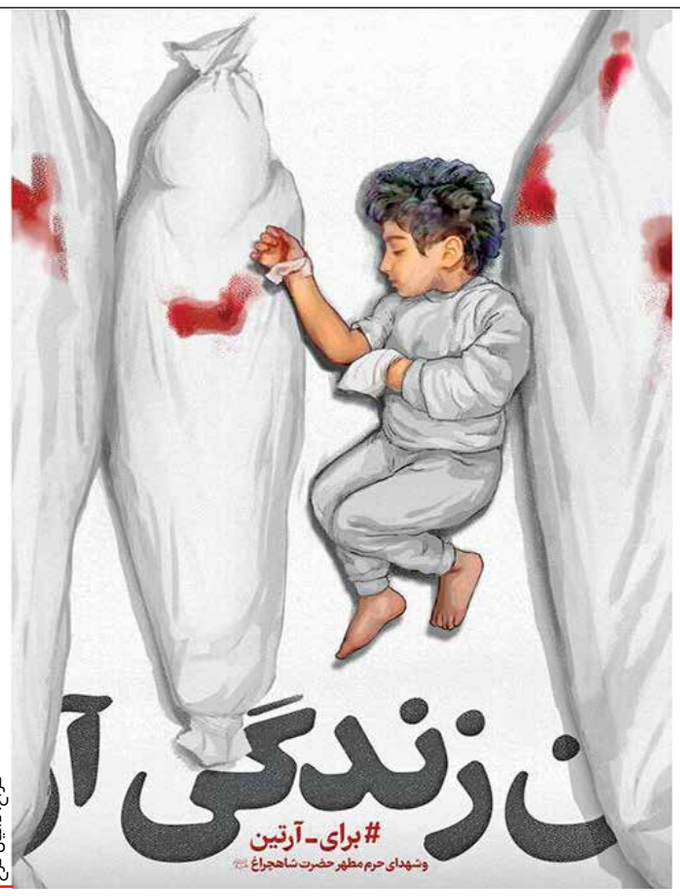
این هنرمند که تصویرنگاره دیوار میدان ولیعصر را هم به تصویر می‌کشد و قرار است بزودی از آن رونمایی شود، درباره تأثیر آثار هنری بصری در موضوعات اجتماعی توضیح می‌دهد: «ما معمولاً با کارهایمان سعی می‌کنیم در همه موضوعات روح جامعه را تلطیف کنیم، مگر موضوعاتی که چشم بشر باید نسبت به آن باز شود، مثل واقعه‌ای که در شاهچراغ رخ داد، نیاز بود که تصویری دردناک و دلخراش بکشم. جور دیگری نمی‌شد آن را کشید. تصویری که من به‌عنوان طراحش برای لحظه لحظه‌اش اشک ریختم چطور می‌تواند دلخراش نباشد. ذاتاً نمی‌خواهم تصویر دردناک بکشم اما در این شرایطی که جنگ رسانه پیش آمده که می‌خواهند این دردها پوشیده بماند تا با درد دیگری پر شود، وظیفه من به‌عنوان هنرمند نشان دادن درد است. کار من این است که نگاه بشر را به سمت آن درد منعطف کنم تا نگاه انسانی اش منقلب شود.»

او درباره وقایع اخیر و تغییر رفتار برخی افراد در جامعه اعم از بی‌تفاوتی و خشم نسبت به این اتفاقات ، توضیح می‌دهد: «اکنون شرایط جامعه به سمتی رفته که برخی آدم های متأثر از هجمه‌های دشمن پر از خشونت شده و از عاطفه خالی شده‌اند. این را جریانی از بیرون کشور به ما القامی کند. از تصاویر خون آلود تا جنبشی با الفاظ و فحش‌های رکیک می‌توان فهمید که خط قرمزی بر اخلاق و انسانیت کشیده‌اند، تا به هر چیزی که تا پیش از این به آن افتخار می‌کردیم وسرآمد بودیم، لطمه بزنند. از همه بدتر دائماً این اتفاق در جامعه پمپاژ می‌شود تا چشم مخاطب به آن عادت کند تا به این جنایت ها و بی‌رحمی ها احساس نیاز کند. ما هنرمندان دراین بین وظیفه سنگینی بر دوش داریم. عمق فاجعه را باید با هر چه در توان داریم و با قلم مان به تصویر بکشیم و به مردم گوشزد کنیم و از تأثیر وقایع بگوییم.» فرخ با اشاره به تصویر آرتین روی تخت بیمارستان می‌گوید: «تصویر یک بچه در این شرایط ناگوار شاید برای برخی هاعادی به نظر برسد، اما اگر به آینده این کودک نگاه کنیم، خیلی دردناک است. من به برخی افراد که غرق این شرایط شده‌اند نهیب زده‌ام. قساوت قلب پرده‌ای است که دشمن درباره‌اش خوب کار کرده است؛ اینکه بعضی از آدم‌ها با آن مستتر شوند و بی‌تفاوت از کنار این وقایع بگذرند.»

این هنرمند درباره آثاری که دراین مدت در راستای اتحاد ایران کشیده توضیح می‌دهد: «دراین مدت آثاری کشیدم که ایران متحد بماند. سعی کردم بیشتر مسأله اتحاد را به تصویر بکشم، اما اکنون مسأله دیگر بحث اتحاد صرف نیست حتی بحث ایرانی بودن هم دیگر نیست. باید تصویری بکشم تا مخاطبی که ذهنش توسط معاندین و دشمنان وتهاجم دشمنان بیمار شده روی آن تأثیر بگذارد.»

این هنرمند معتقد است که باید همه هنرمندان واصحاب رسانه پای کار بیایند و دعوت رهبری را لبیک بگویند تا ایران همچون گذشته سرافراز و امن بماند.

اکنون عده‌ای از هنرمندان پای کار آمده‌اند. از همان اول حسن روح الامین، تابلوی «از خون جوانان وطن لاله دمیده» را به تصویر کشید و فردای همان روز در فضای مجازی منتشر شد. بعد از آن هم هنرمندان دیگر آثاری باعنوان «یک ملت هنر» به تصویر کشیدند. هنرمندانی همچون دانیال فرخ، مهناز صابرپور، صالح کوشکی، مهدی آزاد بخت و... که همه در فضای مجازی منتشر شد و مخاطبان وعلاقه‌مندان بسیاری آن را نشر دادند.



طراح: دانیال فرخ


دمیدن آتش اثر مهدی آزادبخت


آرتین زندگی تنهایی اثر مهناز صابرپور

واکنش اهالی فرهنگ و هنر به حادثه تروریستی شاهچراغ

گروه فرهنگی/ حادثه تروریستی شاهچراغ واکنش اهالی فرهنگ و هنر را هم به دنبال داشته؛ از طراحانی که قلم به دست گرفته و در سوگ شهدای این واقعه دست به خلق اثر زدند تا هنرمندان سینما و تلویزیون که در شبکه‌های اجتماعی در نکوهش این واقعه نوشتند و از طرفی شاعرانی که با سروده‌های خود سهمی در این سوگواری ایفا کردند.

برای ایران سردار دیگری باش



میلاد عرفان‌پور
شاعر

آرتین! خوش آمدی! ما چشم‌انتظار بودیم
بهتر شده‌ست دستت؟ ما بی‌قرار بودیم
یادت می‌آید آرتین؟ در آن حرم در آن شب
مثل ستاره‌های دنباله‌دار بودیم
آن شب قطاری از نور سوی بهشت می‌رفت
ما را تو خوب دیدی، در آن قطار بودیم
آرتین! بگو به خواهر، در جشن ازدواجش
پای قرار هستیم، پای قرار بودیم
آرشام، در بهشت است اما هنوز با تو
همبازی‌است و همراه، ما ماندگار بودیم
ما را خدا صدا کرد رفتیم سمت دریا
ما رود رود رفتیم ما آبشار بودیم
بر روی تخت وقتی از ما سؤال کردند
دیدیم بغض کردی، ما آن کنار بودیم
آرتین! ببین برایت باران شده‌ست ایران
ما نیز گریه‌های بی‌اختیار بودیم
آرتین! گلم! از امشب تو مرد خانه هستی
محکم بمان عزیزم! ما استوار بودیم
آرتین! برای ایران، سردار دیگری باش
ما عاشقانه یک‌عمر با این دیار بودیم
بهتر شده‌ست دستت؟ بهتر شده‌ست حالت؟
آرتین خوش آمدی، ما چشم انتظار بودیم

در آستان تو کبوترها سبک بالند



محمدمهدی عبداللهی
شاعر

در وسعتی از صحن تو دیدم اجابت را
بر قامت گلدسته‌ها، باران رأفت را
در آستان نور تو، «جای ملالی نیست»
باید بجا آورد هر دم شکر نعمت را
از فتنه‌های بی‌امان باید پناه آورد
شاهِچراغ اینجا بشوید گرد غفلت را
در آستان تو کبوترها سبک بالند
گردِ حرم دارند امید شفاعت را
در حوضِ خون، آری کبوترها ادا کردند
لب‌تشنه با خون گلو، غسل شهادت را
السّابقون السّابقون، از عشق می‌گفتند
آن عاشقانی که چشیدند این زیارت را
امضای تو اذن دخول کربلایی‌هاست
تقسیم کردی کربلای سرخ قسمت را
بابِ شهادت باز شد در این حرم یعنی
آقا نشان دادی خودت راه سعادت را
آقا خلاصه زائرانت خوب فهمیدند
باب‌الرضا هم می‌دهد رزق شهادت را
از دشمنان بی‌حیا باکی نباشد چون
دارد به دستش حضرت زهرا شفاعت را

در خون شهیدها شریکید همه



محمدجواد پرچمی
شاعر

هر آنچه بنا بود ببینید همه
در فاجعه‌ای که بود، دیدید همه
با فتنه‌گری و آتش افروزیتان
در خون شهیدها شریکید همه

از غربت روزگار اسلام بگو
از بی‌خردی تلخ ایام بگو
امروز برای هر که کور است هنوز
از کودک یکساله بی‌نام بگو


از خون جوانان وطن... اثر حسن روح الامین

آه از غمی چنین



احمد بابایی
شاعر

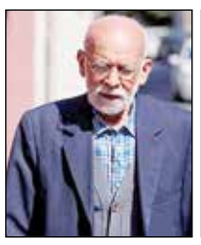
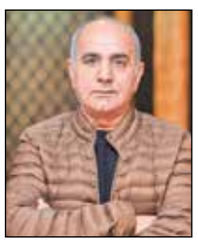
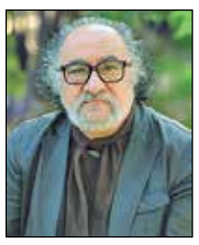
موجم، دخیل بسته بر آن ساحلی که نیست
در حیرت، آه می‌کشم، آه از دلی که نیست
در بین بغض و ضجّه، گره خورده کار من
زخمی شده‌ست باز دل من، دیار من
آن‌سان که خون ما ز حرم، ناز می‌کشد
کار غزل، همیشه به شیراز می‌کشد
آیینه جز به آه مکدر نمی‌کنم
لب را به‌جز به خون جگر، تر نمی‌کنم
تا زیر سایه وطن زخم‌خورده‌ایم
شُبهه بر این درخت تناور نمی‌کنم
صدبار خوانده‌ام خبر داغ و تازه را
جانم به لب رسیده و باور نمی‌کنم
حافظ کجاست تا غزلی تازه رو کند
من بی‌مرور روضه، شبی سر نمی‌کنم
شیراز... قتلگاه... غروب حرم... اذان...
«گفتم کنایتی و مکرر نمی‌کنم»
دور ضریح، خون... دم در، خون... مسیر، خون!
چشمم به خون نِشسته و سر بر نمی‌کنم
می‌گفت حافظانه، شهیدی به شاه شهر:
«من ترک خاکبوسی این در نمی‌کنم»
در حیرت، آه می‌کشم، آه از غمی چنین
شیراز را مباد دگر ماتمی چنین
در شهر راز، روضه‌ای آوازه کرده است
این زخم، داغ فاطمه را تازه کرده است
شیراز، نه! صدای اذان در افقِ شکست
در های‌وهوی فتنه، حرامی، قُرُق شکست
اللّه‌اکبر... از تو چه پنهان، محرّم است
«باز این چه شورش است که در خلق عالم است»
آیینه‌ها به خاک، پر و بال دیده‌اند
شاه چراغ را ته گودال دیده‌اند...
اللّه‌اکبر... ای دل غافل! اذان ماست
این های‌وهوی فتنه، همه، امتحان ماست
آشوب خام بی‌جگران، خوان داغ شد
بی‌حرمتی به خیمه شاهِ چراغ شد
خون شهید، اشهدُ انَّ گواه گشت
عطر محمد آمد و لب، بوسه خواه گشت
در های‌وهوی فتنه، تماشای داغ کن
چشمی بیار و گریه به شاهِ چراغ کن
نام علی به مأذنه آمد، شفق گرفت
خیرالعمل، شهادت خون داد و حق گرفت
دارد اذان به ساعت دیدار می‌رسد
دل، بد مکن که یار به اصرار می‌رسد
حی علی‌الفلاح! گلوله شتاب کرد
«با ما به جام باده صافی خطاب» کرد
با داغ روی داغ، چه سازم که سر شود
«ترسم که اشک در غم ما پرده‌در شود»
عریان شود که فتنه و تکفیر یکدلند
«آری شود ولیک به خون جگر شود»
در غربتیم و آه پی آه می‌کشیم
«باشد کز آن میانه یکی کارگر شود»
شاهِ چراغ! جان مرا هم قبول کن...
«آری به یمن لطف شما خاک زر شود»
من شک نمی‌کنم که فقط مُردنی چنین
«مقبولِ طبع مردم صاحب‌نظر شود»
ما اصلاً آمدیم بگوییم واجب است
«سرها بر آستانه‌ی او خاک در شود»
ای جان زخم‌خورده ما! مرهم توایم
شیراز! شهر راز! شریک غم توایم
جانا! قسم به خون شهید و به داغ تو
سوگند می‌خوریم به شاهِ چراغ تو
مُردار فتنه مانده به هر کرکسی که هست
باید تَقاص پس بدهد هر کسی که هست

داغدار زائران بی‌گناه

گروه فرهنگی/ حمله تروریستی به شاهچراغ مانند هر حادثه دیگری برای بازتاب در قالب آثار سینمایی نیاز به زمان دارد اما اهالی سینما نسبت به این اتفاق غمبار بی‌تفاوت نبودند و در صفحات شخصی‌شان در فضای مجازی ضمن محکوم کردن این جنایت با بازماندگان این حادثه اظهار همدردی کردند. اغلب اهالی سینما از جمله پرویز پرستویی، حبیب رضایی، امین حیایی، کامبیز دیربار، احمد مهرانفر، تینا پاکروان، الناز شاکردوست، میترا حجار، فریبا نادری و... با هشتگ #شیرازم تسلیت، از داغداری و همراهی خود با خانواده‌های شهدا و مجروحان این حادثه تروریستی نوشتند.

«بِأَی ذَنبٍ قُتِلَت؟!» شبنم مقدمی بازیگر شناخته شده سینما و تئاتر این آیه از سوره تکویر را به تصویری از شاهچراغ ضمیمه کرد. سیدمحمود رضوی تهیه‌کننده سینما نیز در استوری صفحه شخصی خود با انتشار تصویر گرافیکی از کفش جامانده یکی از شهدای این حادثه نوشت: «کفش‌هایت را از سیدالشهداء تحویل بگیر»

سیدجواد هاشمی بازیگر سینما و تلویزیون با انتشار تصویر و پیامی حادثه تروریستی حرم شاهچراغ شیراز را به مردم ایران و خانواده شهدا تسلیت گفت و خواستار برخورد قاطع با آمران این اتفاق شد.

داریوش ارجمند در پیامی کوتاه در واکنش به این حادثه گفت: «حادثه تروریستی شیراز حال من را منقلب کرده است. همه ما می‌دانیم صحنه‌گردانان این اتفاق چه کسانی هستند که اینچنین وقیحانه، زشت و پلید این کار را انجام می‌دهند و ملتی غیور و متمدن و با کوله‌باری از دانش و ارزش را داغدار می‌کنند.»

مهدی فقیه بازیگر سینما و تلویزیون، در تماس تلفنی خود در برنامه سیمای خانواده با صدای به بغض نشسته گفت: «مردم رفته بودند فرایض دینی خود را در یک امامزاده واجب‌التعظیم یعنی شاهچراغ انجام دهند؛ به چه جرمی اینها را به این صورت کشتند و شهید کردند. چه چیزی گیر آنها می‌آید؟ حقوق بشر الان کجاست؟ این تصاویری که پخش شده است را ببینند، آن بچه و زن چه کرده‌اند که باید کشته شوند؟ جوابش را چه کسی می‌دهد؟ از دیشب که این واقعه رخ داد نتوانستم یک لحظه راحت باشم. مردم فقط آمده بودند نماز بخوانند و زیارت کنند تا دل‌شان باز شود و روشنایی پیدا کند اما بعد به این صورت کشته شدند. شکر خدا خوشحالم که رسانه ملی تمام وقایع را نشان داد. دوربین‌های حرم تمام واقعه را نشان دادند تا مردم حقیقت را ببینند. نتیجه این کار چه می‌خواهد باشد؟»

احمد نجفی بازیگر پیشکسوت در گفت‌وگویی با تسنیم ضمن محکوم کردن اتفاقات اخیر و حمله تروریستی شیراز، درخواست کرد به سوءاستفاده‌گران اجازه صحنه‌گردانی داده نشود. او گفت: «کدام ایرانی است که از تحریم، اغتشاش، کشته‌سازی و حمله تروریستی خوشحال شود مگر اینکه دشمن ما باشد. به همه می‌گویم این اتفاقات ادامه خواهد داشت تا مادامی که به سوءاستفاده‌گران اجازه صحنه‌گردانی و بازیگری داده شود. اگر هوشیار نباشیم باز هم چنین اتفاقاتی می‌افتد.»

رضا صادقی و محسن یگانه نیز از جمله خوانندگان نام‌آشنای موسیقی ایران بودند که با انتشار تصاویری این حادثه غم‌انگیز را تسلیت گفتند.

اخبار

معتمدی: خواندن برای تیم ملی جرم شده است!



محمد معتمدی می‌گوید: «اقرار می‌کنم، اینکه خواندن برای تیم ملی فوتبال کشورم جرم باشد، مرحله جدیدی از فرایند تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران است که تا امروز قفل بود!» این خواننده با انتشار یادداشتی نسبت به انتخاب او به عنوان خواننده رسمی سرود تیم ملی فوتبال کشورمان در جام جهانی قطر اظهار داشته «امروز در خبرها مطلع شدم که بنده به عنوان خواننده رسمی تیم ملی انتخاب شده‌ام. راستش از روزی که کشورم ناآرام شده، لبم به صحبت هم باز نمی‌شود چه رسد به آواز خواندن! تمام فعالیت‌های حرفه‌ای‌ام را هم تعطیل کرده‌ام، فقط به خاطر اینکه دل و دماغ هیچ کاری را ندارم، البته نمی‌دانم منظور از خواننده رسمی تیم ملی یعنی چه! من تا کنون در هیچ نهاد و ارگانی نه رسمی بوده‌ام و نه قراردادی. ولی حدسم این است که قطعه‌ای که چند ماه پیش و قبل از ناآرامی‌ها به همت یکی از دوستان آهنگسازم تولید شده، از میان دیگر آثار تولید شده برای همراهی تیم ملی انتخاب شده است. در این سال‌ها که جوانی‌ام را برای هنر و موسیقی گذاشتم فراز و نشیب‌های زیاد و کم‌لطفی‌های مختلف و متفاوتی دیدم، اما اقرار می‌کنم، اینکه خواندن برای تیم ملی فوتبال کشورم جرم باشد، مرحله جدیدی از فرایند تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران است که تا امروز قفل بوده است!»

انتصاب وجیهه سامانی به دبیری جایزه جلال



محمدمهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی طی حکمی وجیهه سامانی را به‌عنوان دبیر علمی پانزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد منصوب کرد. در بخشی از متن حکم محمد مهدی اسماعیلی خطاب به وجیهه سامانی آمده: «امید است بنا به وظایف مندرج در آیین‌نامه مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص این جایزه، نقش تخصصی خود را در ایجاد هماهنگی‌های شایسته در هیأت علمی، اتخاذ تصمیمات مقتضی و پیگیری اجرای آنها، به بهترین نحو ایفا کنید.»

سامانی تحصیلکرده رشته زبان و ادبیات فارسی و نویسنده آثاری همچون «خواب باران»، «آن مرد با باران می‌آید»، «بادبادک‌ها» و... است. کسب رتبه اول جشنواره مطبوعات، کاندیدای چهره هنر سال انقلاب حوزه هنری، برگزیده جشنواره شهید حبیب غنی‌پور، برگزیده جشنواره داستان انقلاب حوزه هنری، برگزیده جایزه شهید اندرزگو، برگزیده جشنواره نویسندگان جوان و... در کارنامه کاری وی ثبت شده است./ مهر

گزارش روز

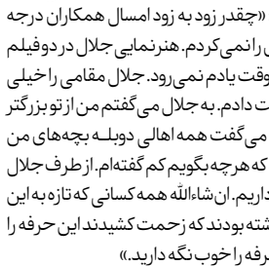
برگزاری مراسم تشییع پیکر جلال مقامی با همراهی جمعی از هنرمندان پیشکسوت

والامقام دوبله روی در نقاب خاک کشید

گروه فرهنگی/ صبح روز گذشته جمعی از پیشکسوتان عرصه دوبله کشورمان، زنده‌یاد جلال مقامی را تا خانه ابدی‌اش همراهی کردند؛ پیکر این دوبلور، گوینده و بازیگر پس از برگزاری مراسم تشییع در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

■ **پایان سفر هنرمندی محبوب**

آن‌طور که در بخشی از گزارش ایسنا آمده، در این مراسم ابوالحسن تهامی‌نژاد از دوبلورهای باسابقه با اشاره به پیکر جلال مقامی که پیش از خاکسپاری به خانه هنرمندان منتقل شده بود، خطاب به حاضران گفت: «این پیکر جلال مقامی است. پایان یک سفر پرحادثه شصت و اندی ساله در جاده پرپیچ و خم هنر.» تهامی‌نژاد سپس آهنگ «رسم زمونه» از رسول نجفیان را با چشمانی گریان خواند و با اشاره به سال‌هایی که هر دو در سن و سالی کم کار دوبله را آغاز کردند به برخی کارهای ماندگار دوست قدیمی‌اش اشاره کرد و گفت: «تو یکی از ستاره‌های دوبله شدی و «شکوه علفزار» را حرف زدی. صدای تو در همه خانه‌های ایران بود. مردم دانستنی‌ها را از «دیدنی‌ها»ی تو یاد می‌گرفتند. سریال «شرلوک هولمز» را دوبله کردی با صدایی که انگار از پوست بازیگر خارج می‌شد. لیاقت داشتی که از تو ده‌ها فیلم بسازند اما فقط یکی ساختند. از تو خواستند برای فیلم صامت لورل هاردی دیالوگ اختراع کنی و فیلم صامت را به ناطق تبدیل کردی. بعد مدیر دوبلاژ شدی و.... چند سال در خدمت هنر بودی؟ بیش از شصت سال و حالا تصمیم گرفتی پیش دوستان‌مان بروی. به همه‌شان سلام برسان.»



محمود قنبری هم دیگر دوبلور قدیمی شرکت‌کننده در این مراسم بود که گفت: «جلال هم پرکشید. استاد جلال مقامی، والامقام دوبله پس از تحمل مدتی بیماری و پذیرش انزوا، روی در نقاب خاک کشید. گوینده، مدیر دوبلاژ و مجری محبوب و خوش صدا. هنرهایی که از درون و برون‌اش می‌جوشید. سه سال گذشته داس مرگ، مزرعه پربار پیشکسوتان ما را درو کرد و آخرینش جلال. جای تأسف است که باید اسم همکاران قدیمی خود را با واژه مرحوم همراه کنم.»

■ **تنها صداست که می‌ماند**

قنبری نیز همانند تهامی‌نژاد به برخی کارهای ماندگار زنده‌یاد مقامی اشاره کرد، از جمله گویندگی جای هنرمندان بزرگی همچون رابین ویلیامز و راجندرا کومار. او ادامه داد: «جلال مقامی در فیلم‌های فارسی زیادی هم گویندگی کرد. انیمیشن «شیر شاه» هم از دیگر کارهای اوست که مورد توجه واقع شد. در دهه ۶۰ با برنامه «دیدنی‌ها» حدود ۱۰ سال به طور هفتگی به روی آنتن می‌رفت. اینها بخش کوچکی از کارهایش بود که فکر کردم برای نسل جوان دوبله جذاب و برای بزرگترها تجدیدخاطره باشد. در سال‌های اخیر به‌دلیل بیماری صدایش صلابت خودش را از دست داده بود و کمتر حرف می‌زد. اینها رفتند، ما هم می‌رویم و تنها صداست که می‌ماند.»

ناصر ممدوح دوبلور باسابقه و بازیگر هم در مراسم تشییع دوست و همکارش گفت: «جلال مقامی مظلوم زیست و مظلوم رفت. از فقدان ایشان بسیار متأثرم و حرف زدن برایم مشکل است. آقای قنبری و تهامی‌نژاد به خوبی مطالب را بیان کردند. دیر یا زود بزرگان‌مان خواهند رفت؛ چه بسا دفعه بعد نوبت من باشد البته من بزرگ نیستم، من کوچک شما هستم.» منوچهر والی‌زاده از قدیمی‌های عرصه دوبلاژ هم گفت: «چقدر زود به زود امسال همکاران درجه یک‌مان را از دست دادیم اصلاً فکرش را نمی‌کردم. هنرنمایی جلال در دوفیلم «دکتر ژیواگو» و «طلای مکنا» را هیچ‌وقت یادم نمی‌رود. جلال مقامی را خیلی زود از دست دادیم. من پدرم را از دست دادم. به جلال می‌گفتم من از تو بزرگتر هستم چرا به من می‌گویی پسرم، می‌گفت همه اهالی دوبله بچه‌های من هستند. آنقدر خوب و خوش رفتار بود که هرچه بگویم کم گفته‌ام. از طرف جلال به شما می‌گویم همه شما را دوست داریم. ان‌شاءالله همه کسانی که تازه به این رشته آمده‌اند بدانند کسانی در این رشته بودند که زحمت کشیدند این حرفه را نگه دارند. شما هم سعی کنید این حرفه را خوب نگه دارید.»